



نامه وارده

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1377 - شماره 31 و 32
از 147 تا 152

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92230>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 12/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

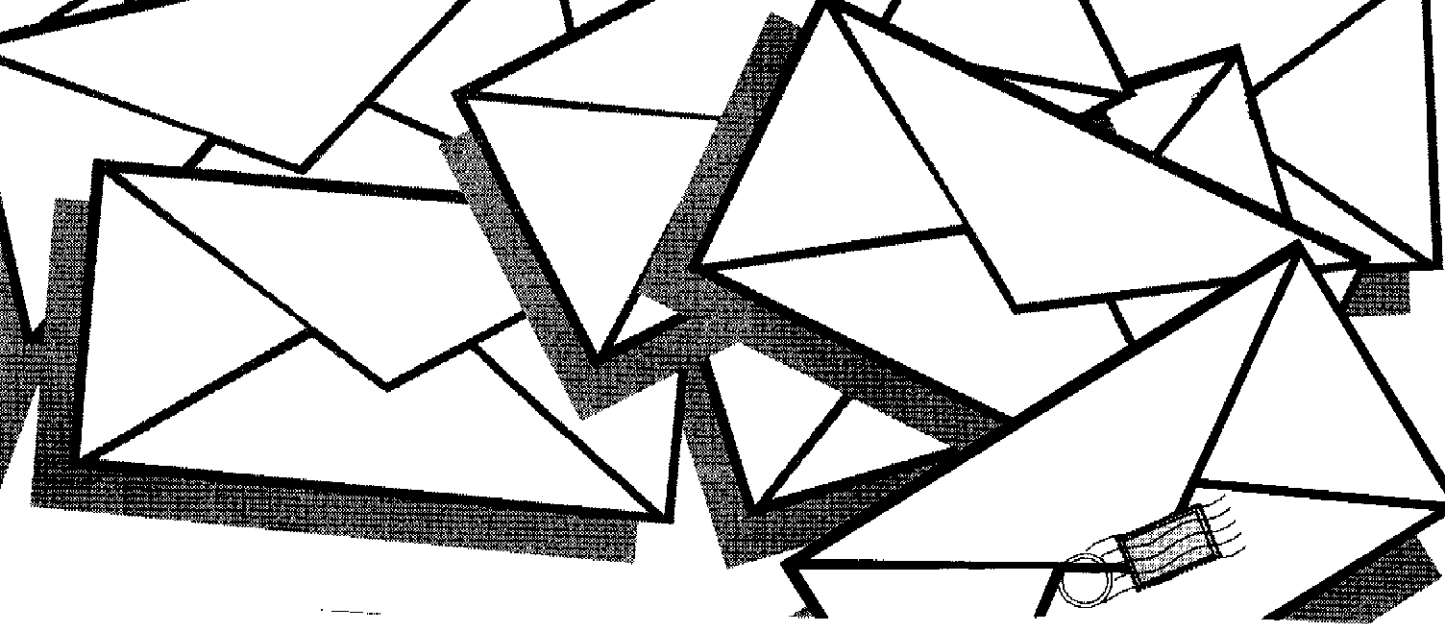
نامه وارده

ولی از چند پزشک معروف که از اهالی کرمان نبوده ولی در شهر کرمان مقیم و خدمات مهم و سودمندی را انجام داده‌اند منجمله آقای دکتر محمود دادگر و مرحوم دکتر دادسون کشیش انگلیسی نامبرده شده است که به یاری بعضی از مردم خیرخواه بیمارستان مرسلین را در کرمان تاسیس و به درمان بیماران بخصوص اهالی بی بضاعت کرمان و اطراف پرداخته و بعد از فوت دکتر دادسون هم چند پزشک خارجی خدمات او را ادامه دادند. ولی از دو نفر پزشک سرشناس و خدمتگزار بی اطلاع بوده و از آنها یادی نکرده‌اند بیمارستان دیگری که در سال ۱۳۰۳ شمسی توسط شادروان نورالله خان ابراهیمی تاسیس و وقف خدمت اهالی و بیماران مستمند کرمان شده است که در ابتدا مرحوم دکتر عیسی خان وزیری و بعد از ایشان مرحوم دکتر ارسطو خان نفیسی ریاست و اداره آنرا برعهده داشتند. بتدریج پزشکان دیگری در شهر کرمان مقیم و بکار طبابت پرداخته و منشاء خدمات سودمندی شده‌اند. چون مسئله پیشینه پزشکی کرمان ۹۷ سال اخیر را در برمی‌گیرد و پزشکان نامبرده بجز از دکتر عیسی خان وزیری و دکتر ارسطو خان که در بیمارستان نوریه از تاریخ ۱۳۰۴ شمسی به بعد مشغول کار بوده بقیه از تاریخ ۱۳۱۷ در کرمان مقیم و به کار طبابت اشتغال داشته‌اند. بنابراین پزشکانی که در تاریخ ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۴ یعنی قبل از کودتای ۱۲۹۹ در کرمان به خدمت پزشکی می‌پرداخته‌اند چه کسانی بوده‌اند.

اخیراً سازمان اسناد ملی ایران (مدیریت منطقه کرمان) به مناسبت بزرگداشت بیستمین سال تاسیس دانشکده پزشکی افضلی پور، کتابی بنام پیشینه پزشکی کرمان در سده اخیر ۱۳۷۷-۱۲۸۰ به کوشش آقایان مجید نیکپور و دکتر علیرضا غفاری نژاد چاپ و انتشار داده است که درخور بسی تحسین و تقدیر می‌باشد. سابقه تحصیلات شادروان مهندس علیرضا افضلی پور بنیانگذار دانشگاه کرمان و خدمات این مرد شریف بعد از خاتمه تحصیلات عالی خود در فرانسه و بازگشت به ایران و سپس انگیزه تاسیس دانشگاه کرمان را مفصلاً شرح داده‌اند. البته نام و یاد این رادمرد فرزانه همواره تا باقیات صالحات به نیکی بیاد همگان خواهد ماند.

ان الله تبارک و تعالی لاینظر الی صورکم و لا اموالکم و لکن ینظر الی قلوبکم و اعمالکم. بعد از این هدیه و بخشش سودمند و نیکوکارانه شادروان مهندس افضلی پور به مردم شریف و نجیب کرمان بتدریج دانشکده‌های دیگری که مورد لزوم بود با کوشش سایر علاقمندان به امر بهداشت و درمان عمومی تاسیس شده است.

در فصل دوم کتاب پیشینه پزشکی کرمان از چند پزشک معروف و خدمتگزار کرمانی منجمله شادروانان دکتر سیدعلی اکبر میرحسینی وکیلی و دکتر علی ایرانی و آقای دکتر احمد ضیاء ابراهیمی و آقای دکتر حبیب‌الله رشیدفرخی که پس از خاتمه تحصیلات پزشکی خود در شهر کرمان اقامت نموده و در خدمت مردم و درمان بیماران پرداخته‌اند و صمیمانه از هیچ نوع کوششی دریغ و مضایقه ننموده و منشاء اثرات خیر و عام‌المنفعه بوده و هستند، نام برده شده است.



شخصی خود به امر طبابت مشغول بوده است در ابتدا بعنوان مترجم دکتر جرج دادسون و سپس از معلومات علمی و عملی و کتابهای طبی دکتر دادسون کسب فیض نموده و بهره‌مند می‌شود و حتی در ساختمان و ایجاد بیمارستان مرسلین کرمان صمیمانه با دکتر دادسون و سایر مردم خیر همکاری نموده و در تاریخ ۱۲۸۵ که بیمارستان ساخته و پرداخته شده است بعنوان مترجم معاون و همکار دکتر دادسون در اغلب عملیات جراحی با ایشان مشارکت داشته است.

مرحوم دکتر معاصر صبح‌ها در بیمارستان مرسلین و عصرها در محکمه شخصی خود از بیماران کرمانی عیادت و پذیرائی و به درمان آنان می‌پرداخته و بیماران فقیر و مستمند و بینوا را بطور رایگان معالجه و درمان و حتی اغلب شام یا نهار و لباس و پتو و سایر وسایل گرم کردن آنها را تامین می‌کرده است. دکتر معاصر تا زنده بود مخارج یک تخت‌خواب بیمارستان مرسلین را می‌پرداخت و همیشه با ترجمه آیاتی چند از قرآن مجید به زبان انگلیسی در موقع مناسب دکتر دادسون را با اسلام آشنا می‌نموده است. مرحومه مادرم می‌گفت اغلب در منزل ما شام و نهار برای خودمان باقی نمی‌ماند و هر چه بود در بین بیماران بی‌بضاعت و مستمند تقسیم می‌شد.

دفتر محاسبات و صورت حسابهای روزمره مرحوم دکتر معاصر که در اختیار بنده است بخوبی نشان می‌دهد که مرحوم دکتر محمود معاصر تا چه اندازه به مردم مستمند و محرومین و مستحقین کمک و مساعدت می‌نموده است. حتی برای کمک به سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان مبالغی به موسسه شیر و خورشید سرخ ایران پرداخت می‌نمود.

البته بنده بعد از فوت ایشان و ملاحظه دفاتر صورت حسابهای ایشان به این مطالب برخورد نمودم که اینک بازگو می‌شود.

مرحوم دکتر محمود معاصر مردی خلیق و خوشرو و خوشگو و خوشرفتار و با انصاف و یکی از سران آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب کرمان بود که مدت ۲۵ سال در کرمان به طبابت پرداخت^(۱). و دوستان فراوانی در بین خواص و عام داشت. مرحوم دکتر معاصر در مختصر علاقه ملکی خود (غُیبرا) که یکی از روستاهای آباد کرمان بوده است به اتفاق دوست و

جناب آقای دکتر محمود نجم‌آبادی استاد دانشگاه تهران چندین سال قبل از بنده خواستند تا اگر شرح حال و اطلاعاتی درباره پزشکانی که قبل از کودتای ۱۲۹۹ در کرمان طبابت می‌کرده‌اند دارم به آگاهی ایشان برسانم تا در جلد سوم تاریخ پزشکی ایران که مشغول تدوین آن هستند منظور نمایند اینک ابتدا درباره شادروان مرحوم دکتر محمود معاصر بطور اختصار مرقوم می‌دارد.

مرحوم دکتر معاصر فرزند شادروان حاج آخوند ملا اسماعیل حافظ القران کرمانی در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۲۶۱ شمسی در کرمان متولد شدند. تحصیلات ابتدائی را در مکتب‌خانه‌های آن زمان و صرف و نحو و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر خود که یکی از علمای مشهور کرمان و سایر علمای آن دوره آموخته‌اند. زبان انگلیسی را در نزد ارباب فریدون زرتشتی فرا می‌گیرد. چون مرحوم حافظ القران پدر دکتر محمود معاصر علاقه‌مند بود تا یکی از فرزندانش طبیب شود تا به درمان بیماران مستمند کرمانی برسد از این لحاظ محمود را در نزد حکیم‌باشی معروف کرمانی بنام دکتر محمودخان شیخ‌الاطبا که یکی از فارغ‌التحصیلان طب دارالفنون تهران بوده است که در کرمان طبابت و یکی از مریدان مرحوم حاجی آخوند حافظ القران معاصر بوده است می‌سیار تا به او علم طب جدید را بیاموزد. بنابراین محمود معاصر در سال ۱۲۷۹ شمسی از سن ۱۸ سالگی جزو شاگردان مکتب پزشکی شیخ‌الاطبا می‌شود و با پسر استادش بنام نعمت‌الله ناصر همدرس می‌شود. محمود معاصر و نعمت‌الله ناصر همشاگردی و در آینده هر دو پزشک و دوست و همکار یکدیگر می‌شوند و این دوستی تا آخر عمر آنها برقرار و ادامه داشته است.

محمود معاصر برای تکمیل معلومات طبی خود خیال مسافرت به هندوستان را داشت تا اینکه در سال ۱۲۸۲ شمسی دکتر جرج دادسون کشیش معروف انگلیسی به کرمان وارد می‌شود و در مقابل کنسولگری روسیه در کرمان مطبی دایر مینماید. و برای همکاری دنیال مترجمی که اطلاعاتی هم از پزشکی داشته باشد بوده است. چون دکتر محمود معاصر علاوه بر زبان انگلیسی مدت چهار سال هم طب بالینی را در نزد شیخ‌الاطباء کرمانی بخوبی فرا گرفته بوده است و در شهر کرمان در محکمه

دوم آقای دکتر منوچهر معاصر متخصص قلب و عروق می باشد که در واشنگتن در درمانگاه شخصی خود مشغول درمان بیماران است. یکی از دختران دکتر معاصر دبیر دبیرستانهای تهران و فعلاً بازنشسته است. دو نفر از نوه های دکتر معاصر نیز پزشک شده اند. یادش بخیر و روانش شاد باد.
دکتر معاصر ۱۳۷۷/۸/۲۶

مختصری از شرح حال مرحوم دکتر نعمت الله ناصر نعمت (ناصر الممالک) مرحوم دکتر نعمت الله ناصر نعمت در سال ۱۲۵۹ شمسی در شهر کرمان متولد شده است. تحصیلات مقدماتی را ابتدا در مکتب خانه و تحصیل طب را نزد پدر بزرگوارش که یکی از فارغ التحصیلان طب دارالفنون تهران و بنام مرحوم دکتر محمودخان شیخ الاطباء کرمانی بود فرا گرفته و به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنائی داشته و با مرحوم دکتر دادسون انگلیسی و دکتر محمود معاصر در بیمارستان مرسلین کرمان همکاری می کرده است. دکتر ناصر الممالک بعد از خاتمه جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۴ دو پسر بزرگ خود را جهت ادامه تحصیل به کشور فرانسه میبرد و خودش بعد از مسافرت کوتاهی به آلمان و انگلستان، مجدداً به فرانسه باز میگردد و مدت یکسال در نزد پروفیسور ماریون، پزشک و جراح نامدار فرانسوی کسب علم نموده و با مرحوم دکتر سعید مالک (لقمان الملک) هم کلاس بوده است. دکتر نعمت الله ناصر بعد از مراجعت به ایران در شهر کرمان مانند گذشته به خدمات پزشکی خود ادامه می داده است. دکتر ناصر الممالک در طبابت و خدمت به مردم با دکتر محمود معاصر همکاری صمیمانه داشته و مردی خیر و هنرمند، و در عکاسی و خیاطی و آشپزی هم معروفیت داشته است. و از آزادیخواهان بنام کرمان بوده است از دکتر ناصر الممالک که خود از اولاد منحصر بفرد پدرش بوده است ۷ فرزند و ۳۵ نوه و ۵۰ نتیجه باقیمانده است. دکتر ناصر نعمت در مهرماه ۱۳۳۹ در سن ۷۹ سالگی در شهر کرمان دارفانی را وداع گفت. روانش شاد باد.

دکتر یحیی معاصر

۱ - به صفحه ۱۲۴ کتاب روزگاری که گذشت نگارش مرحوم عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی مراجعه شود.



دکتر نعمت الله نعمت ناصر الممالک، دکتر محمودخان معاصر، بهرامجرد ۱۳۱۴

همکار صمیمی خود مرحوم دکتر نعمت الله ناصر (ناصر الممالک) یک مدرسه ابتدائی جهت تعلیم فرزندان اهالی محل بخرج خودشان ساخته بودند و بچه های روستائی را تعلیم و آموزش می دادند. از دکتر محمود معاصر دو دختر و دو پسر در قید حیات می باشند. دو پسر ایشان اول دکتر یحیی معاصر متخصص اورولوژی از دانشکده پزشکی پاریس که در تهران سکونت دارد و در مطب خود مشغول طبابت است.

علاج قطعی را بجوئید

واقعه بیمارستان مدینه منوره و جسدی که از طرف وهابیان بمرقد مطهر حضرت خاتم الانبیا ارواحنا فساد شده احساسات اسلامیها را مهیجان آورد

بلك روز هم برای اظهار تأثر از این بیخداها گوار و تنفر از مرتکبین آن تعطیل عمومی کردید - نطقهای مؤثر و خطابه های مهیج، فریاد های وای و محمدا، نعره های وای و اسلاما، همه بجا و بموقع و همه حاکی از بلك روح اسلام یرستی بود - و ما تمام آن خائنها و نظاهرات را تقدیس گفته و خرد نیز در ابراز احساسات شرکت داشته و سه آنها در آنروز بلکه تا عمر باقی است متاثر و غمگین بود و خواهیم بود

لکن هیچکدام از این اقدامات و نظاهرات علاج قطعی درد و چاره حقیقی کار را نمیکند اگر حقیقه ما مسلمانیم و اگر واقعا بیخا و دوام عظمت اسلام علاقه مندیم باید سبب اصلی اینگونه حوادث و وقایع را تشخیص داده و در صدد رفع و دفع آن بر آئیم

برای تشخیص این امر بهتر از آن نیست که به بیانات و فرمایشهای خود پیشمر سلیمان علیه وآله و بکتاب آسمانی که بر آن بزرگوار نازل شده است مراجعه کنیم و خدای متعال در کتاب مجید خود مقرر فرماید: «ان افلا یقر ما نقرم حتی یقرروا ما با نقرم» خدا را ندانند و عزت هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر وقتیکه خود آن قوم اعمال و اخلاق خود را تغییر دهند

از این آیه شریفه مستفاد میشود که بد بختی و مذلت هر قوم نتیجه اعمال و افعال خود آنهاست لا غیر پس ما مسلمانان نیز که امروز اینطور مقهور و مذکوب شده و بعد از آن مجد و عظمت تاریخی روزگار اسارت و حقارت را طی میمائیم بشهادت آیه شریفه خودمان مقرر

تفسیر و گشته ما چیست آگدام رویت پسندیده و رفتار بلك را تغییر داده ایم که اینطور روزگار ما تغییر یافته عزت ما میدل بذات و عظمت تاریخی ما تبدیل بحقارت شده کار بجائی رسیده است که بلك طایفه وحشی خونخوار بنام اسلام نسبت به بزرگترین آثار ملی و مقدس ترین شواهد اسلامی جسارت و گستاخی می نمایند ؟

برگردیم صدر اسلام یعنی آن عهده که تمدن اسلامی پرعت برق در دنیا منتشر - اوای لا اله الا الله - محمد رسول الله در ممالک روی زمین یکی بعد از دیگری افزاشده قدرت و هیبت مسلمانان در ارکان عالم نوازل اداخته بود؛ آنروز مسلمانان چه داشتند که امروز نداشتند؛ آیا در اسلحه جنگ

والات قنات بر سایر ملل تفوق داشتند؛ اگر تاریخ اسلام را خواننده باشید میدانید که خیره آبا علوم و صنایع آنها کاملتر از دیگران بوده است

آنچه در آن عهد داشتند و بدرکت همان بر اغلب ممالک و ملل غالب آمده محترم و معظم میزیشند اتحاد و یگانگی در اسلامیتش بود - آنروز سنگ تفرقه و نفاق بین عناصر اسلام نیفتاده و در حفظ اساس و یگانگی همه با هم متحد بودند - آنروز اجنبی بیباد اسلامیه تجارز میکرد تمام مسلمانان از هر طایفه و قبیله پشت پشت داده دشمن تجاوز کار را دفع مینمودند - آنروز اختلاف در فروع مسائل و ملکه در اصول موجب این نمیشد که برای قلع و قمع مضاف اجنبی متوسل شده قسوی بیگانه از اسلام را بممالک اسلام سوق دهند - آنروز هر طایفه و هر فرقه از مسلمین بدیانت خود علاقه مند بوده بقی عزت و آزادی خود را ببقای آن میدانستند - آنروز اخلاق جامعه مسلمانان مانند امروز نازل ننگه این لنگاه کسبختی و لا قیومی که حالا مشاهده میمائیم در آن وجود نداشت - آن بود که در آنروز دارای چنان مجد و عظمت بودند آنروز حب ریاست و شهوت جاه و سلطنت در مسلمین بدرجه ای نبود که برای تحصیل آن بناس اسلام خیانت ورزند اما امروز حقیقتا از شرح آن سره داریم ا و حیخواهیم در اینموقع مانند یکی مسلمین بد بختی های دیگر خود را یاد آورده و بشیرم

همینقدر میگوئیم که بگانه راه علاج و طریق جلو گیری از بدبختی های روز افزون این است که تمام مسلمانان دنیا مسلمانانی که امروز از حرکت چسبیده بلك مشت اعراب وحشی همه خشمگین و غضب آورده اند دست اتحاد و برادری بیکدیگر داده برای حفظ اسلام و توأمین مسلمین تصمیم متحدانسه گرفته از روی بلك نظام و بلك ترتیب شروع بکار کنند - نمقیده ما پیش از هر اقدام دیگر باید ممالک و دول اسلامیه هر یک خائنها کانی تبعیت نموده و بلك مجمع بین المسلمین در یکی از پایتخت ها یا یکی از بلاد مقدسه اسلامی تشکیل دهند - این خائنهاکان برای ترقی دادن مسلمیت و نشر معارف و علوم امروز در ممالک اسلامیه طرحهای عمری و مؤثر ایجاد کرده مقدمات نجات مسلمین را از هر گونه بلا و محنت فراهم آورند - تحصیل قدرت و عظمت در این عهد منوط بکمیل صنایع و علوم و غذای اقتصادی است - و نمقیده ما بلك مجمع بین الملل که مرکب از خائنهاکان عالم و نا سیرت باشد مجوزی میتواند راه عمل و مناسب با مقتضیات این عصر پیدا کند که در ظرف چند سال مسلمانان را بیدار و محفوق خود آگاه ساخته راه نجات از اسارت و مقهوریت را جلو آنها باز نماید

و در حال مسلمین باید هر وسیله هست بنام اسلام بیکدیگر متحد گردیده و با اسلحه اتحاد همان اسلحه که آن ها را در اندک زمان ممالک شرق و غرب گردانید استقلال و

قابل توجه کفیل محترم بلدیة طهران

شنبه می شود که از طرف اداره ساختمان بلدیة ابر بساختن ییاده رو خیابان پهلوی شده است این اقدام بسیار مفید است ولی خوب است قبلا يك مختصر عیب موجود آن رفع شود

و آن پیش آمدگی از دیوار بیخود تا باغ حاجی محمد حسن است که دویست قرع بیشتر نیست که اگر مرتفع کرده، هم ییاده رو خوبی حاصل و هم با دیوار منزل آقای سرنییب مرتضی خان مقابل میشود و بعد ها هم مسافد با اشکالی نمی شود البته خاطر مبارک - بوقی است که اگر این نظر قبلا در سایر خیابانها منظور شده بود امروز با این کثرت عابری و از دیاد درشکه و اتوموبیل و غیره گرفتار آنکی خیابان نمی شدیم و البته تصدیق خواهیید فرمود که عبور و مرور در این خیابان اوسا بر خیابانها بیشتر خواهد شد (ح-مشانی)

توجه کفیل محترم بلدیة را بلاوجه فوق جلب مینمائیم [فکر آزاد]

(ندائی)

آقای ندائی مدیر محترم روز نامه جارچی مات در تاریخ ۱۲ عقرب ۱۲۹۸ عنوان ندائی در تحت نمرة ۱۸۷۰ در ناحیه ارك بنام شما ثبت گردیده و نیز دو آریخ اول قوس ۱۲۹۸ عظیم آقا و حسن آقا نامان در ناحیه ۲ دولت این نامرا ثبت نموده اند و بر حسب تاریخ شما تقدم بر آنها دارم ممکن است اعلان فرمائید ۷ شهریور ۱۳۰۴

رئیس اداره سجل احوال و احداثیه بلدیة طهران
۳-۱
یاشا

محررین پرتو

بار دیگر با همین اسلوب شیوا و طرز زیبا که مهورد است طبع و نشر شده - عموم هموطنان را بدبطامه آن نامه ملی واستفادۀ از مطالب ادبییه و متنوعه آن دعوت نموده موفقیت مؤسس محترم و سایر کارکنان آن را خواستاریم

مکافات

روزنامه ایست فکاهی و تصور که با اسلوبی تازه رونق افزای مطبوعات مرکزی شده است موفقیت کارکنان آن را بر تهنیت اخلاق و ثانیا انکار جامعه آرزو مندیم

چندی وقت که صرف ' نحو ' منطق ' معانی بیات ' ریاضی و بلك قسمت از مقول را چنان فرا گرفت که در غیاب استاد اجازه تدریس سایر آموزگاران بینا بان خارق العاده نابینا محول گشت.

پس از آنکه معلومات فوق الذکر را با بکدوره کامل از فقه در محفظه خاطر انباشت و در هر فن از آن متنبیع و شبحر شد ، حافظه اعجاز آسای او بحفظ کلام الله مجید (قرآن) راغب ساخت و در اندک زمانی بافتخار حفظ تمام قرآن با شان زول هر آینه و تقصیر و تاویل هر سوره نایل آمد ؛ در این قسمت بحمدی قدرت مند و با فراست بود که مکرر اتفاق آفتاده بود در بلك مقابله قرآنی که چندین نفس مشارکت داشتند و دو هفته آن مقابله بتاخر افتاده بود پس از مراجعه از همان آیه که ختم کرده بود شروع بقرائت میفرمود - بخر بلك از آیات کلام الله را که از وی میپرسیدند حتی آیه چندم از سوره مملومه را بسائل جوابا توضیح میداد - علامۀ فقید گذشته از اینکه بحفظ کلیه قرآنی میبای بود ، تمام خطب و کلیات قصار هیچ البلاغه را بخاطر داشت بمسلوه کلمه ادعیه مشهوره را حافظ بود - در ادبیات بی اندازه راغب و متذوق بود و مثنوی جلال الدین رومی قدس سره عقیدتی نامه داشت تا آنحد که مثنوی را بالکلیه از بر میخواند - فقید سعید بحمدی در تقوی فضایل اخلاق مفرط می بود که در تمام مراحل حیات بلك ترك اولی هم از او شنیده و دیده نشده بود ، و تا پایان عمر بلك همسر و همواره بیشتر اشتیاق کرد و در آیه شریفه : « ان ختم ان لا تمولوا فواصد » و کریمه : « فلن نستطیعوا ان نمدوا بن النساء ولو حرصتم به » استدلالی واقائل بود که اجازه تعداد زوجات را بخود نمیداد.

بالاخره فقید مزبور صاحب روحیات و معنویات بس عالی قدر و دارای ملكات فاضله علمی و اخلاقی بود و اخیرا رحمت ایزدی بیوست و عالم علم و ادب را متاثر ساخت . قرن معاصر بلك همچو ناد مخارق المعاده ای را از دست داد بدون آنکه مانند من او را پرورش داده باشد .

هیئات لایانی الزمان بشله
ان الزمان بشله لعقم

ع . روای



مقاله فوق حدیثی است بااداره مارسیده بواسطه مطبل چند ماهه درج آن بتاخر افتاد و اکنون برای اینکه نام هم وطن دانشمند و مجهول القدر ما از صفحه تاریخ محو نشود بسدرج آن پرداختیم - از محضر فقید فوق الذکر در کرمان بارها استفاده نموده - مراتب دانشمندی و ذکارت آن مرحوم هم بطور که نویسنده مقاله مرقوم داشته اند فوق المعاده و بی نظیر بوده و باعقیده ما شرح آن در این گونه مقالات مختصر نمی گنجد

(فکر آزاد)

مطلبه برادران بافرزاده

تاریخ

قیمت سالانه داخله ۵۰ خارجه ۶۰ فران

۶ ماهه ۲۹ ۲۲

اعلانات مطری

ورق اول ورق دوم ورق سوم ورق چهارم
۴ فران ۳ فران ۲ فران ۱ فران
هر سطر [مطابق معمول جرید] یکسطر و نیم

حساب می شود

در صورت تکرار اعلان در قیمت تخفیف میدهم
قیمت نك شماره ۸ شاهی است

کابل بیان، دوشنبه ۱۳۳۰، کم کم خبر از روی خطر ترا امتیاز بعد (۹) نیز چنان
سبب ملاک مردم است نرس اوقاف و حوض بر امتیاز و ملز (۱۰)
اوضاع ملای و نامی منتهی برسد.

شیر

شیر نامه شجاعت و بهوری که بدان نسبت می دهند مانند سایر
حیوانات است و از بدن چیز های غریب فرار میکند - یکروز شیری و
سرای حله گریه بسیار چندی را که در دست داشتند مقابل او باز نمودند
از مشاهده این ترفند و گریه - بی امانی فریاد زدند و برفتند و
داغش که آثار پشه های بود - یکروز شیری را در مقابل خود برد -
طفل از رفتن که عادت این حیوان وحشی در میانه است - فقیه آگور از
جای خود حرکت کرد تا در آنک پیشتر خود را از وسایله و پاره های خود
کرد - این بود که در جای خود استراحت بنا کرد هرگاه زمین و شما
حکایت و سبک با طرف شیر باشند - شیر نیز در جای خود استراحت نمود
بود حال آنکه افراد - در این بنا دو نفر یکک طفل زودتر و شیر
از جای سه متر فاصله نمود

حاجب و اسلام

آول کسی غیر اسلام روشی گرفته و جاری ساختند و در آن روز
غرف قرار داد و حلقه ای میزدند بود - در زمین خانه واد بین حراس
الانقر و غای و ضمیم و شریف میخواستند با من هیچ زدن و سینه و غنما
و زود شده مطالب خود را در آن زمان - رفتی با یاری حالات را تبدیل
بسلطنت نمود رسم حاجب را نیز نیز از شرکات قرار داد - و اول کسی
که او را بقی کار و امانت زمین بود - در برده های عباسی این
اجتناب نداشت بینه و مردم را از ملاقات خانه جز در موارد امور مهمه
منع میکردند - موفقی که دولت شی عباس ضمیم نمود دو عنصر و
اغراض میرفتند و ارباب و امیر اجتناب یافته و در سینه بینه قرار داده
چینه بطور و او بود می کردند که ملاقات آن ها با مردم سبب تقبی شدن
و زوال عیبت آن ها می نمود بود و در سینه سینه را در پس پرده بود
دینت خود تمام امور را داشتند حکمران بطور دلخواه و موافق اقبال
منافع خود کار میکردند

علائم انقراض

حکمران گوید از علائم انقراض و زوال سلطنتی و ریاست
اینست که دوستان را نخریدند دشمنان را از شرکات برانگیزد کنند -
ارباب نروند و غنای را بخورد واه دامه دانشمندان را بچرم فقر و
پوشانی از خود دور سازند - بشکاک و نظام خراب افتند
انمواد و جناب های عیال و کار میکنند خود را بر وسیله کی برایش
مظالمین ترجیح دهند - از مکر دشمنان کینه ناپس دوستی در
آمده اند غافل نشده پیشرویت و صلاحیت آنها عمل نمایند -
بقرار شوهر و قریه بکشند از یاد نموند ارباب قلم و صاحبان
علم و هنر را هیچ نهندند - عیال و خانواده خود را بچنان
و حال دربار مسائل سازند از آن ها بکلامت و باه ستم دشمنان
هرساله از کینه سرور سبب مان پیدا کرده و بپوشیده بچنان نمود
بیتوان باشند

ملنون زدنش

ملنون شعر معروف انگلیس گوید بود - مشار الیه
در عمر خود سه زن گرفته و زن سوم او خیلی خوشگل لندن
دارای اخلاق بد بوده شوهر را اذیت مینمود - روزی در زد
نورده بود بنگام از زن خود شکایت می کرد آورد گفت از زنی
که مثل دهنه کل است شکایت میکنی ؟ ملنون جواب داد من
کورم و کل را از خارش میشتامم نه از رنگش

تفسیر و مفید

(۱) در هندوستان صد و چهل و هفت زبان مختلف
موجود است (۲) اول کسی که اربشم عمل آورد چینی ها
و بعد از آن ایرانیانند (۳) از يك گرم ۱۰۰ نشود ۱۰ تخم
۱۰۰ اربشم هزار و چهار صد گرم عمل می آید (۴) حاول
و شده ای که از اربشم سرور خود می نند سه کربا بر است
(۵) عدد جزایر ژاپون چهار هزار جزیره است (۶) اول
کسیکه قطار حجم زمین را تعیین نمود سری بود یونانی موسوم
ارسطی بر (۷) نیلیون از سه کلمه خوشش تعبیر شده نمی
توانم نمی نامم ممکن نیست - و در جواب کلمه اول بگویند
ممکن است جواب داده بود بگویند باز نگویید و در جواب
سرم انتحالی کن (۸) اهالی سیام در موقع فرا ددی لباس
سفید می پوشند (۹) تنها چهار باغی که در شمال است شیر
است (۱۰) برقی باغی گنجینه در سال ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲
شماره است (۱۱) در زمان کنگره وین هندوستان و پانچا و دیگر
طبع و نشر می شود (۱۲) خود ایلیون تقدیر را بدست
کامی می بیند و امانت آرا بخواند (۱۳) اگر تعداد مختلف
حجم خودش می توانست بقدیر بگوید چنان کند هر چه پیش او
افتاد و پیش می آید - (۱۴) مرد کالی هر دقیقه ای شایسته
میراث و زن کالی هر دقیقه ای هر چه در سینه تقدیر می آید

پایان ماهی و کرم

ارتحال حافظ القرآن

حاج ملا اسمعیل رحمی حافظ قرآن کرمانی یکی از
محققان و معانی دینی و اوانح عیال بود و میتوان گفت که
روزگار بدی را سپری نمود و ذکاوت و علم او معری را برای
بگمراهی دیگر در وجه این آینه بنگار و اذن کرده است -
ایشان در اندیشه تقدیر در مراحل شریف خود و دشمنان سال از
زندگی در شهر کرمان بار فنی را دیدند و برای جوانی
ارتحال نمود - حاج ملا اسمعیل فقید از نوادگان و زاده و
نوه استاد قبلی او استعداد فارسی و قرآنی بسیار بود

در سال ۱۲۶۳ هجری در حکمران پانچ و
و چون در آن سال در باقران حضور چشمش را انداختند و
ایشان را تقریبی آقا شده بود که در چهار دهه سابقه علمی او
عالمی آینه بنیادین آری او را از سینه و نهانی بصری و
ملی او را از سینه و نهانی بصری و نهانی بصری و نهانی بصری
علاوه بر این در آن زمان مجال توجه بود - هفتاد و نه ساله
از عمر را باقی بود که بجهت دین و دین و دین و دین و دین
چنین قرمانی که یکی از علماء و مشایخ علماء متوابع کرمان در
سابقه و تقوی و تقوی مانجه بود و باقیه آموزش جلی ذکاوت فطری و
جلی توجه است - را نمود در حدقه عالمی شکاک او اندامی گمانی
را مشاهده کرد - در زمانی نگذشت که در سبب اول ارتحال
آن استاد قرار گرفته است معلومات و عار هوش و حافظه فقید
موسی الیه نورانی بسزا یافت